

A comparative study of the nature and function of political parties in the Islamic Republic of Iran From the point of view of Ayatollah Beheshti and Ayatollah Mahdavi Kani May Allah's mercy be upon them

Mostafa Aghajaninekejar*¹ | Naser Jamalzadeh²

Vol. 9
Winter 2023
P.P: 35-71

Research Paper

Received:
25 August 2022
Accepted:
06 November 2022



Abstract

The present study seeks a comparative study of the nature and function of political parties in the political thought of Ayatollah Shahid Beheshti and Ayatollah Mohammad Reza Mahdavi Kani. Paying attention to the commonalities and differences between these ideas and different views and descriptions of the quality of the political party, will lead to a better understanding of these ideas in the face of the party issue, and the result of that comparative analysis will increase party knowledge in the existing party system. Therefore, the main question of the present article is what is the nature and function of political parties in the Islamic Republic of Iran from the perspective of Ayatollah Beheshti and Ayatollah Mahdavi Kani and their similarities and differences. To get the answer; Three components of the thinker and provider of the theory, the audience, and the context or historical context have been considered; The descriptive-comparative method has been used to analyze and classify the collected data based on the library method. Therefore, the present article; After explaining the main characteristics, in two sections, the nature and function of Western political parties, went to the views of these two thinkers, and their views were read and compared in these two sections. The findings of this study show that despite the commonalities of the two thinkers in the substantive and functional part of the parties, there are also distinct aspects that are specific to the thought of the thinker who is noteworthy in determining his party position

Keywords: Martyr Beheshti, Grand Ayatollah Mahdavi Kani, Party, Democracy, Velayat-e-Faqih

1. Researcher of Political Marketing department of Imam Sadegh (AS) University Roshd Center, Tehran, Iran, Email: mostafa.aghajani@isu.ac.ir
2. Department of Iranian Issues, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: n.jamalzadeh@isu.ac.ir



بررسی تطبیقی ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایراناز منظر آیت الله بهشتی (ره) و آیت الله مهدوی کنی (ره)

مصطفی آقاجانی فکجور*^۱ | ناصر جمالزاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در اندیشه سیاسی آیت الله شهید بهشتی (ره) و آیت الله محمدرضا مهدوی کنی (ره) می پردازد. توجه به نقاط اشتراک و افتراق این اندیشه‌ها، نظرگاه‌ها و توصیفات گوناگون از کیفیت حزب سیاسی، موجب شناخت بهتر این اندیشه‌ها در مواجهه با موضوع حزب شده، و نتیجه حاصل از آن تحلیل مقایسه‌ای، رشد معرفت حزبی در نظام حزبی موجود را در پی خواهد داشت. از این رو پرسش اصلی مقاله حاضر، چیستی ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از منظر آیت الله بهشتی (ره) و آیت الله مهدوی کنی (ره) همچنان شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان است. برای دستیابی به پاسخ این پرسش؛ سه مؤلفه متفکر و عرضه‌کننده نظریه، مخاطبین و بافت یا زمینه تاریخی مورد توجه قرار گرفته است؛ که با روش توصیفی-تطبیقی به تحلیل و دسته‌بندی داده‌های گردآوری شده مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای، پرداخته شده است. بنابراین مقاله حاضر؛ پس از تبیین شاخص‌های اصلی، در دو بخش ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی غربی، به سوی نظرات این دو اندیشمند رفته، و آراء ایشان، در این دو بخش مورد بازخوانی و مقایسه قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد با وجود اشتراکات دو متفکر در بخش ماهوی و کارکردی احزاب، وجوه متمایزی نیز یافت می‌شود که خاص اندیشه آن متفکر است که در تعیین موضع حزبی او شایان توجه و دقت است. شهید بهشتی و آیت الله مهدوی، علی‌رغم اینکه هر دو با اصل حزب برای جامعه مخالفی نداشته‌اند اما هر دو با حزبی شدن روحانیت مخالف بوده‌اند و سعی بر حفظ ساختار مستقل روحانیت داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شهید بهشتی، آیت الله مهدوی کنی، تحزب، مردم‌سالاری، ولایت فقیه

۱. نویسنده مسئول، پژوهشگر هسته بازاریابی سیاسی، مرکز رشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email:mostafa.aghajani@isu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه انقلاب اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email:n.jamalzadeh@isu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در مطالعات تطبیقی، طرف‌های مورد مطالعه، لزوماً حق و باطل نیستند، ممکن است حتی مکمل یکدیگر نیز باشند. انجام مطالعات تطبیقی در یک مسئله، باعث فهم بهتر و شناخت بیشتر آن مسئله خواهد شد. یکی از موضوعات مهم که به مسئله‌ای در ایران معاصر تبدیل شده است، مبحث حزب است. احزاب، یکی از زمینه‌های ایفای نقش مردمی هستند. این حوزه به رغم پژوهش‌های انجام‌شده، با ضعف ادبیات اسلامی مواجه است. پس از گذشت ۴۵ سال از انقلاب اسلامی، و ثبت بیش از دویست و پنجاه حزب و تشکل سیاسی رسمی در وزارت کشور، جمهوری اسلامی با ابهامات عملی و نظری در مواجهه با این موضوع روبه‌رو است. از این رو ورود به این موضوع از اولویت قابل توجهی برخوردار است. از سویی؛ نظام سیاسی جمهوری اسلامی که در پیوندی وثیق بین دین و مردم شکل گرفته است، همواره خود را در طول حکومت معصومین (ع) تعریف نموده است و با تمسک به این سیره، برای مردم و گروه‌های مردمی جایگاه خاصی قائل شده است؛ به طوری که در قانون اساسی ذیل اصل ۲۶، آزادی فعالیت آنان را تضمین نموده است. به اعتقاد نگارندگان، حزب ایرانی که محصول زیست‌بوم اجتماع سیاسی ایران است، دارای شاخص‌های ماهوی و کارکردی خاصی است؛ از این رو صرف آزادی فعالیت احزاب موجب تحقق یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های وجودی غربی آن؛ یعنی کاستن از مشکلات حامیان‌شان (مردم) نخواهد شد و بایستی با احصاء و بررسی دقیق حزب ایرانی، به تحقق واقعی و نه نمایشی و آماری آن کمک نمود. پژوهش حاضر بر آن است با تمرکز بر ماهیت و کارکرد احزاب در نگاه آیت‌الله شهید بهشتی (ره) و آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)، به هدف تحقق حزب واقعی و مردمی، کمک نماید. برای جواب به این سوال بایستی به صورت تفکیک‌شده تعریف و ماهیت احزاب سیاسی از نگاه این دو اندیشمند مورد کنکاش قرار گیرد. سوال دیگر، پیرامون نسبت این احزاب در حکومت اسلامی و در تعامل با ولی فقیه است. سوال دیگر این است که از نگاه این دو اندیشمند، کارکردهای احزاب سیاسی چه مواردی هستند. با توجه به ماهیت پژوهش که جنبه‌ی اکتشافی دارد، این تحقیق فرضیه‌آزما نیست. مفروض پژوهش بر این استوار است که هر دو اندیشمند با آزادی فعالیت احزاب و کنشگری آن موافقت داشته‌اند. مقصود نویسندگان در این پژوهش از مفهوم حزب

عبارت است از: سازمان‌های سیاسی نظام‌مند با اهداف و اصول مشترک، که سعی دارند با به دست آوردن قدرت اجتماعی به هدف کسب و حفظ قدرت سیاسی بپردازند. روش پژوهش در این مقاله به نسبت هر اندیشمند، توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش تطبیق، در نهایت مقایسه‌ای مناسب بین آراء حزبی دو اندیشمند و تحزب در اندیشه غربی برقرار شده است. در بخش اول مقاله به تحزب در اندیشه غربی و ماهیت و کارکردهای آن پرداخته می‌شود تا مبنای نظری غربی در اول بحث به صورتی مشخص ارائه گردد. در بخش دوم به صورت احزاب سیاسی در اندیشه آیت‌الله بهشتی پرداخته می‌شود؛ در بخش سوم صورت احزاب سیاسی در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و در بخش آخر یعنی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری یافته‌ها به صورت تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. یکی از مشکلات انجام پژوهش کمبود منابع در خصوص اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی و شهید بهشتی پیرامون احزاب سیاسی بوده است که نگارندگان این مشکل را با مراجعه به مراکز اسناد انقلاب اسلامی و دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی تا حدودی مرتفع نمودند.

مبانی نظری پژوهش

تحزب در اندیشه غربی

یکی از پیچیدگی‌های عمده علوم اجتماعی، تعریف واژه‌ها است، کمتر واژه‌ای است که در علوم اجتماعی به گونه‌ای معنا شده باشد که مورد اتفاق و یا اجماع همگان باشد. یکی از این واژگان «حزب» است که در مکاتب گوناگون به گونه‌های مختلف معنا شده است و هر اندیشمندی بر اساس آراء و نظریات و دیدگاه‌های خود به تعریف آن‌ها پرداخته است. در اینجا تنها برخی مفاهیم مورد نیاز برای روشن شدن مبانی نظری مقاله را تعریف خواهیم نمود.

دموکراسی

«دموکراسی، حکومت به وسیله مردم است.» این تعریف ساده از دوره باستان به صورت صریح به کار می‌رفت. کارل کوهن در تعریف آن می‌نویسد: «دموکراسی، حکومت جمعی است که در آن، از بسیاری لحاظ، اعضای اجتماع، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در گرفتن تصمیم‌هایی که به

همه آن‌ها مربوط می‌شود شرکت دارند یا می‌توانند شرکت داشته باشند». (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۷) با وجود اینکه در تبیین لغوی «دموکراسی» یک وحدت رویه وجود دارد، ولی در تعریف مفهومی آن شاهد آشفتگی و اضطراب می‌باشیم و تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. به همین دلیل «اندیشه‌گران لیبرال اقدام به ارائه دو شاخص اصلی برای «دموکراسی واقعی» نموده‌اند که عبارتند از: ۱) تأثیرگذاری رأی مردم بر مشروعیت حکومت و ۲) محوریت رضایت مردم در اداره امور جامعه». (افتخاری، ۱۳۸۵: ۵۱)

مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی را در ساده‌ترین تعریف می‌توان حکومتی با محوریت «مردم» و «دین» دانست. چنانچه امام خمینی^(۷) در توضیح جمهوری اسلامی که بنیاد نظری مردم‌سالاری دینی را پرورش داده است می‌فرماید: «حکومت اسلامی حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی. در حکومت اسلامی استقلال کامل حفظ می‌شود. ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است.» (صحیفه امام، جلد ۵: ۳۹۸) نظریه مردم‌سالاری دینی ریشه در اندیشه اسلامی دارد و هرچند به دلیل اهمیت جایگاه والای مردم در آن با دموکراسی غربی شباهت‌هایی دارد اما باید گفت، تعارضی بنیادین بین این دو حاکم است.

حزب

در خصوص احزاب سیاسی تعاریف تعبیر مختلفی به کار رفته است. از آنجایی که این مقاله قصد دارد از معنای غربی حزب عبور کند، صرفاً مروری مختصر بر این تعاریف خواهیم داشت.

ردیف	مؤلف	تعریف	منبع
۱-	بشیریه	شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی که خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند	بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۲۲
۲-	لنین	حزب گروه کوچکی از افراد قابل اعتماد و باتجربه و معتقد به اصول انقلاب است	دفتر مطالعات و

تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۴۲	که در سراسر کشور نمایندگان دارد که با آنها روابط مخفیانه برقرار ساخته و اقدامات انقلابی را پیشه‌ی اصلی خود سازند.		
Duverger, 1954: 78	مجموعه‌ای از گروه‌های اجتماعی پراکنده در اطراف کشور است (قسمت‌ها، کمیته‌ها، انجمن‌ها و غیره) که از طریق سازمان‌های هماهنگ کننده به هم پیوسته‌اند.	موریس دوورژه	۳-
Langford, 1981: 317	جمعی از انسان‌های متحد جهت ارتقای منافع ملی مبتنی بر اصول مورد توافق کل گروه.	ادموند برک	۴-
Downs, 1957: 25	گروهی از مردم می‌داند که در پی کنترل نهادهای حاکم از طریق کسب آراء در انتخابات تشکیل می‌شود	آنتونی داونز ^۱	۵-
	از ماحصل تعاریف حزبی برمی‌آید که احزاب چنین تعریفی داشته باشند. سازمان‌هایی باثبات که مبتنی بر نیروی انسانی دارای افق و اصول مشترک شکل می‌گیرند و با تکیه بر سرمایه اجتماعی سعی در کسب قدرت داشته باشند.	نگارنده	۶-

جدول شماره ۱: تعاریف حزب از منظر اندیشمندان (منبع: طراحی شده توسط محقق)

برای ترسیم بهتر شباهت‌ها و تفاوت‌های دو دیدگاه عمده در خصوص حزب، یعنی نگاه غربی و نگاه اسلامی، - که در این مقاله، نگاه شهید بهشتی و آیت‌الله مهدوی (ره) به عنوان صاحب‌نظران اسلامی در نظر گرفته شده است - بهتر است، به طور دقیق روی دو مؤلفه مورد بررسی در این مقاله یعنی ماهیت و کارکرد احزاب، متمرکز شده و با شاخص‌گذاری روی این دو عنوان، به نتایج قابل عینی‌تری دست یافت.

شاخص‌های ماهوی احزاب سیاسی از نظرگاه اندیشه غربی

با نگاهی به موارد برشمرده شده و تعاریف بیان شده از احزاب سیاسی می‌توان گفت؛ حزب سیاسی از یک سو ماهیتی قدرت‌طلبانه دارد، چرا که در آن بر اساس دیدگاهی اومانستی و منفعت‌گرایانه، قدرت جزئی اساسی از تعریف سیاست قلمداد می‌شود. مشخصه‌ی دیگر حزب، دارای ساختار و کارویژه‌های حزبی بودن است که باعث می‌شود روح جمعی بین افراد هم راستا و هماهنگ ایجاد شود. در این جمع؛ هر چیزی کم‌اهمیت‌تر از منافع حزبی که منافع همان جمع

۱- Anthony Downs

است، تلقی شده و راه درست کسب منافع، با نفوذ در حاکمیت از طریق جلب حمایت مدنی و یا به اصطلاح غربی؛ مشروعیت مردمی می‌باشد. با توجه به تعاریف بالا و نیز منابع ایجاد و شکل‌گیری احزاب می‌توان مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زیر را برای ماهیت یک حزب سیاسی غربی در نظر گرفت.



نموادار شماره ۱: شاخص‌های ماهوی احزاب سیاسی (منبع: طراحی شده توسط محقق)

شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نظر گاه اندیشه غربی

وظایف و کارکردهای احزاب را می‌توان از دو منبع استخراج کرد. یکی برنامه، مرام‌نامه و فعالیت‌های حزب و دیگر؛ برداشت مردم و مخاطبین آن از رسالت و علت وجودی حزب است. کارکردهای احزاب را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی نمود.

الف) کارکردهای آشکار

این کارکردها به مواردی گفته می‌شود که نمود و نمای حزب را تشکیل می‌دهد. این کارویژه‌ها، در تمام تبلیغات، جلسات عمومی و خصوصی حزب مورد توجه قرار گرفته و برای بهبود ظهور آن در عرصه‌ی اجتماعی و نزد افکار عمومی تلاش وافر می‌شود و در صورت اهمال این امور از سوی حزب، درصد طرفداران حزب به شدت افت می‌کند.

- کارکرد انتخاباتی

انتخابات و مشارکت جامعه مدنی در روند قدرت، یکی از بزنگاه‌هایی است که احزاب خود را میدان‌دار اصلی می‌دانند. در طی انتخابات احزاب سعی می‌کنند از راه‌های زیر، قدرت اجتماعی لازم برای پیروزی و حضور در قدرت سیاسی را کسب نمایند.

- بسیج مردم و هدایت آن‌ها به سوی صندوق‌های رأی

- تربیت یک هیئت سیاسی حرفه‌ای و معرفی آن‌ها به عنوان نامزدهای وکالت مردم

- شکل دادن به شیوه نگرش‌ها و معتقدات پراکنده افراد و سازمان دادن این شیوه نگرش‌ها و معتقدات، در چارچوب تئوری یا مراسم مشخص.

- تربیت و تنسيق رفتار نمایندگان در درون مجلس و ایجاد رابطه بین آن‌ها و رأی‌دهندگان

- کارکرد اجتماعی-آموزشی

حزب تلاش می‌کند با برشمردن فواید و آگاهی‌بخشی به اعضاء و طرفداران خویش، مشارکت آنان را در فرآیند رأی‌گیری و حمایت‌های جانبی افزایش دهد. احزاب برای افزایش دانش سیاسی اعضاء خود و سایر افراد اجتماع، موسسات پژوهشی، آموزشی و انتشاراتی ویژه‌ای به وجود می‌آورند. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ۲۰۵)

ب) کارکردهای پنهان

- انسانی کردن روابط سیاسی

حزب پاره‌ای مشکلات معمولی و گرفتاری‌های روزمره مردم را حل می‌کند و در عوض از آنها دعوت به حمایت می‌کند و با این کار بر طرفداران خود می‌افزاید.

- کسب توان مالی

ماشین حزب تأمین‌کننده امتیازات سیاسی برای پاره‌ای از موسسات اقتصادی است و در عوض از آنها کمک مالی دریافت می‌نماید.

- جذب افراد و قشرهای حاشیه‌ای

حزب از طریق بسیج اجتماعی، عرصه خیابان‌ها را بر روی بینوایان، اقلیت‌ها و افرادی که کمتر به آنها توجه می‌شد می‌گشاید، چون نیاز به رأی دارد. ساختار فکری حزب با شعارهای مختلف و جذاب به طوری که اکثر سلیقه‌ها و تمام جمعیت را به مشارکت فراخواند افراد و قشرهایی را که در حزب حاکم کمترین توجهی به آنها نشده است را به سوی خود می‌کشاند.

- ایجاد شغل از طریق به کار گماردن عده‌ای برای تبلیغات و افزایش نفوذ عمومی

بخش اطلاع‌رسانی و تبلیغات حزب با به کارگیری افراد مختلف در این موضوع، زمینه‌ی درآمدزایی را برای عده‌ای از افراد فراهم می‌کند. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ۲۰۶)

- متمرکز کردن قدرت اجتماعی

هر فرد به تنهایی، حتی در نظام‌های کثرت‌گرا و دموکرات، در برابر قدرت متشکل و متمرکز دولت و مؤسسات خصوصی، موجودی ضعیف و بی‌پناه است. نیروی حزب، نیرویی است گروهی و مجهز به سازمان اداری متشکل که بهتر می‌تواند در برابر نیروی دولت به دفاع از حقوق فرد بپردازد.

- انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی

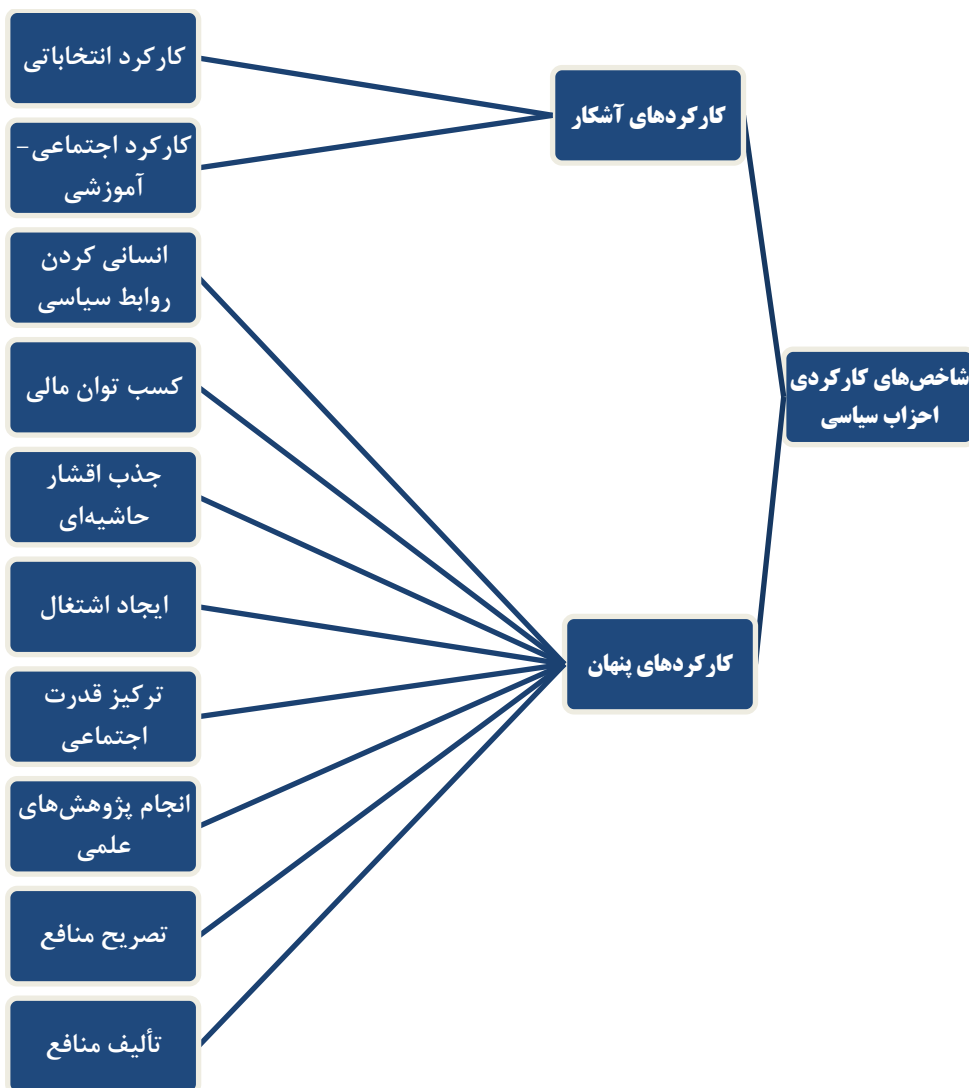
حزب با تشکیلات، ابزار، بودجه و نیروی انسانی که در اختیار دارد، بایستی برای شناخت مسائل و مشکلات مختلف به مطالعه و تحقیق پرداخته و برای بهسازی جامعه طرح‌ها و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه کند. (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۴۴)

- تصریح منافع

تصریح منافع عبارت از بیان اولیه منافی است که از تصورات درونداد وارد نظام سیاسی می‌گردند. این منافع برای اثربخش بودن باید در قالب سیاست‌های بدیلی یک کاسه یا تألیف گردند. یکی از کارویژه‌های اصلی احزاب سیاسی تصریح این منافع و یا به عبارتی بیان خواسته‌ها و تقاضای مردم است. نقش احزاب در این فرایند سیاسی بسیار اساسی است زیرا تکثر و تنوع تقاضاهای خاص را به چند موضوع کمی تبدیل کرده و به مرکز تصمیم‌گیری منتل می‌کنند. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۷)

- تألیف منافع

تالیف منافع فعالیتی است که طی آن خواسته‌های افراد و گروه‌ها در قالب پیشنهادی مهم برای سیاست‌گذرای یک دست می‌شود. احزاب سیاسی در تألیف منافع اهمیت خاصی دارند. آن‌ها نامزدهایی را معرفی می‌کنند که نماینده مجموعه خاصی از سیاست‌ها هستند و سپس می‌کوشند تا حمایت مردم را به نفع این نامزدها جلب کنند و علی‌رغم اینکه احزاب کارویژه‌های متعددی دارند، ولی هدف مشخص و تعریف‌کننده هر حزب سیاسی که تلاش برای جلب حمایت مردم به نفع سیاست‌ها و نامزدهای خود آن حزب است به طور مشخص به تألیف منافع بازمی‌گردد. نظام‌های سیاسی معمولاً سازمان‌های تخصصی‌تری را به وجود می‌آورند که کارشان تألیف منافع و منابع است و احزاب سیاسی دقیقاً چنین سازمان‌هایی هستند (ناظری، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۱۱) به‌طور خلاصه کارکردهای احزاب سیاسی عبارتند از:



نمودار شماره ۲: شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی (منبع: طراحی شده توسط محقق) در مقابل این تصویر مثبت و آرمانی‌ای که از احزاب در متون علوم سیاسی ارائه می‌شود اشکالات مختلفی نیز از سوی خود غربی‌ها بر احزاب بار می‌شود که نمونه آن را روبرت میخلز که به صورت عینی در محیط سیاسی خود شاهدش بود یادآور شد؛ یعنی تشکیل الیگارشی فن‌سالاران،

علاوه بر این مواردی مانند خودکامگی و پیوستگی بسیاری از احزاب به گروه‌های طبقاتی خاص، ضدیت آن‌ها با منافع توده و پیگیری منافع خود و گروه وابسته، سعی برای فریب افراد و استفاده از آن‌ها برای پیشبرد مقاصد ضداجتماعی خویش، تضاد تشکیکی آن با وحدت ملی، گرایش به سمت تمرکز و استبداد تشکیلاتی (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵، ۴۵) و غیره.

در اسلام، کار تشکیلاتی بسیار مورد توجه و تاکید قرار گرفته است و تعاون به عنوان مایه ایجاد تشکل در قرآن کریم به دفعات مکرر و با الفاظ و مضامین مختلف آمده است. به علاوه با دقت در سیره سیاسی معصومین (علیهم السلام) نیز نگاه تشکیلاتی و حزبی ایشان در امور اقتصادی و نیز ایجاد تشکیلات سیاسی از نمایندگان مخصوص خود، به وضوح مشخص است. بنابراین بر اساس این شواهد، این مقاله در این قسمت، سراغ آراء رهبران فکری و تشکیلاتی انقلاب اسلامی به عنوان عالمانی دینی و سیاست‌مدارانی انقلابی رفته و به تبیین رویکرد ایشان به حزب و تشکل سیاسی می‌پردازد. برکسی پوشیده نیست که این دو اندیشمند، در منصب‌های مختلف و در صحنه‌های گوناگون، پابندی خود به کار جمعی برای حفظ و عظمت انقلاب اسلامی را لحظه‌ای وانتهاند.

پیشینه پژوهش

در زمینه احزاب سیاسی و کارکردهای آن‌ها هرچند آثاری با رویکرد اسلامی توسط حجت‌الله ایوبی، بهرام اخوان کاظمی، حمیدرضا اسماعیلی، مرتضی کامل نواب، عبدالله جاسبی و غیره به نگارش درآمده است، اما پژوهش در موضوع ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی از نگاه آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مهدوی‌کنی به صورت تطبیقی با تحزب غربی و با یکدیگر، به نحو منسجم و جامع انجام نگرفته است و این پژوهش درصدد است تا با بررسی وجوه اشتراک و افتراق آراء اندیشمندان مورد اشاره و نمونه غربی احزاب سیاسی، ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی اسلامی را تا حد امکان مورد دقت و بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی پژوهش

از حیث رعایت تناسب روش تحقیق با موضوع آن، روش در پژوهش حاضر، روش توصیفی تحلیلی با کاربرد تطبیق در آن است که مراحل و گام‌های آن را در این پژوهش می‌توان بدین گونه خلاصه نمود:

- ۱- تحدید موضوع؛ در این گام با صرف نظر کردن از سایر اندیشمندان و رهبران انقلاب اسلامی که در موضوع تحزب، به اظهار نظر پرداخته‌اند، بر دو اندیشمند مذکور تمرکز شد.
- ۲- منبع‌شناسی؛ در این گام منابع مرتبط با طرفین تطبیق (آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مهدوی‌کنی) مورد احصاء قرار گرفتند.
- ۳- پالایش منابع؛ منابع احصاء شده پالایش شدند و عناوین با ارتباط در نظر گرفته شدند.
- ۴- فیش برداری؛ از منابع پالایش شده، اعم از کتب، مقالات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها فیش‌های موضوعی اقتباس شد.
- ۵- طراحی دستگاه تطبیق؛ که در طی آن سه بخش این دستگاه یعنی حوزه یا همان ماهیت و کارکرد احزاب، معیارها یعنی تعریف، نظریه، اهداف، و شاخص‌ها یا به عبارتی عناوین ملموس و عینی مشابه و متفاوت هر یک از دو اندیشمند ذیل معیارها، طراحی و تدوین شدند.

۶- تحلیل؛ پس از تبیین حوزه، معیار و شاخص از دستگاه تطبیقی پژوهش، نویسنده به تحلیل داده‌ها دست زده و به ارزیابی نظر دو اندیشمند با یکدیگر و نسبت‌شان با نظرگاه غربی پرداخته است.

۱. ماهیت و کارکرد حزب سیاسی از دیدگاه آیت‌الله شهید بهشتی (ره)

روحانیون حوزوی پس از کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی مردم ایران به لزوم تأسیس تشکیلات مذهبی پی بردند و بیشتر آن‌ها با بهره‌گیری از تحصیلات جدید دانشگاهی، سعی در ارائه تعالیم اسلام به سبکی نوین و اشاعه آن در بین دانشگاهیان و طلاب حوزه علمیه داشتند. این فعالیت‌ها پشتوانه حوادث پانزده خرداد و همچنین پدید آمدن گروه‌های مبارز اسلامی در دهه‌های بعدی شد و سرانجام به انقلاب بزرگ اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ منتهی گردید. از جمله این افراد که نقش بارزی در تربیت جوانان و آگاه نمودن نسل جدید با تعالیم انسان ساز اسلام داشت و آن را به صورت یک مکتب مبارزه معرفی کرد، آیت‌الله دکتر بهشتی بود. آن شهید بزرگوار از نادر روحانیان عالی مقامی بود که به ضرورت تشکل و تحزب در عصر حاضر اعتقاد وافر داشت و معتقد بود که در این زمان بدون آن، اداره جامعه و کسب موفقیت‌های جدی امکان‌ناپذیر است.

۱-۱. مبانی نظری مرتبط با ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در اندیشه آیت‌الله بهشتی (ره)

۱-۱-۱. تشکل؛ نهادی تأیید شده از سوی دین

شهید بهشتی در ضمن یک سخنرانی، وارد مبحث دینی بودن و مبنای دینی داشتن تشکل می‌شود ایشان در مورد تشکل ضمن بحثی جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه بیان می‌دارد نشانه حیات؛ تلاش و کوشش و جنب و جوش در جهات متعدد و در عین حال دارای تشکل و نظام به سوی یک هدف معین است (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۵۸۰) شهید بهشتی در مورد سابقه احزاب بر این ادعاست که: «اگر حزب را تشکیلاتی برای سازماندهی تمام نیروهای فعال و ضامن تداوم حرکت اجتماعی بدانیم باید بگوییم از اول اسلام تا دوران حکومت‌های اسلامی حزب وجود داشته است» (دارابی، ۱۳۸۳: ۱۰۵) در گام بعدی به ضرورت نگاه انسان و

توجه او به مسائل اجتماعی به عنوان هنجاری دینی که پایه‌ی شکل‌گیری تشکلی اجتماعی است نیز بیان می‌دارند: «اسلام به فعل و انفعالی که در امور اجتماعی هست، عنایت فراوان کرده و برای استوار ساختن پیوندهای اجتماعی و مصون نگه‌داشتن جامعه از گزند عوامل فساد، تدابیر عالی اندیشیده است. عنایت فراوان اسلام به تحکیم پیوندهای اجتماعی به دو صورت است؛ یکی به صورت ایجاد یا تقویت عواملی که بر تشکل جامعه می‌افزاید و نظام اجتماعی را عالی‌تر و روابط اجتماعی را محکم‌تر می‌کند، یکی هم به صورت جلوگیری از اموری که پیوندهای اجتماعی را سست و جامعه را بیمار می‌کند و به تشکل و نظام جامعه لطمه می‌زند... اسلام مسلمان را وادار کرد، که از کارهای عمومی جامعه‌ی مسلمین غافل نماند و به فکر امور مسلمین باشند. در کتاب اصول کافی، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که پیغمبر (ص) فرمود «من اصبح ولا یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم» (اصول کافی، باب الاهتمام...)... چنین کسی مسلمان، یعنی عضو جامعه‌ی اسلام نیست. او بر پیکر امت اسلام همچون انگلی است که از آن تغذیه می‌کند، استفاده می‌کند» ایشان در تأکیدی که اسلام در باب تشکیلات دارد، بیان می‌کنند: «اسلام می‌خواهد مسلمان‌ها هم در میدان جنگ متشکل باشند، «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کأنهم بنیان مرصوص» هم در حال نماز و پرستش خدا «و ارکعوا مع الراکعین» و هم در میدان زندگی و نبرد حیات و فعالیت‌های اجتماعی. (دارابی، ۱۳۸۳: ۱۰۵)

۲-۱-۱. ولایت فقیه و نسبت آن با احزاب سیاسی

شهید بهشتی در مورد شخصیتی که جایگاه پس از معصومین (ع) و برای زمان غیبت و کنونی را به دست می‌آورد؛ می‌فرماید: یک فقیه متواضع فروتن مردمی مردم دوست در رهبری امت قرار می‌گیرد. آیا این فقیه خود را بر مردم تحمیل می‌کند؟ یعنی به مردم می‌گویند شما باید این فقیه را به رهبری بپذیرید، چه دلتان بخواهد و چه دلتان نخواهد؟ نه! در قانون اساسی پیش بینی شد که این فقیه را باید مردم بپذیرند. فقیهی که اکثریت قاطع ملت او را به رهبری پذیرفته باشد می‌شود رهبر. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۴۶) ایشان بر این اعتقاد است که در یک جامعه‌ی اسلامی امام و زمامدار، باید رهبر تمام عیار اسلامی باشد و اگر قرار است که جامعه حرکتش به سوی خدا و راه خدا باشد، باید پیشوایان و پیشتازان و نیز زمامداران جامعه رفتار، اعتقاد و بینش‌شان الگویی از اسلام باشد. «در همین رابطه موضع حزب بر این است که اداره‌ی مملکت و جامعه‌ی اسلامی از پایین در نظام

مدیریت به وسیله‌ی کسانی اداره شود که هر عمل آن‌ها نزدیک کننده‌ی مردم به اسلام باشد.» (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۳/۲۵) شهید بهشتی بر این ادعاست که جامعه‌ی ما اگر بخواهد برآستی جامعه اسلامی بماند و اسلام اصیل بر آن حکومت کند، باید فقیه در جامعه هم رهبری فقهاتی کند هم رهبری ولایتی، یعنی باید نبض حکومت در دست فقیه باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۴) ایشان در نسبت بین حزب سیاسی و مقام ولایت فقیه و اینکه چقدر از آن جایگاه دارای استقلال است، معتقد است: «حقیقت این است که شخص من از اول نظرم این بود که امام در همان مقام بالای شامل و عمومی رهبری شان هستند و حزب یک تشکیلات است که نقطه نظرهایش را می‌گوید و کارهایش را می‌کند. افرادی که مؤثرند، جامعه از آن‌ها شناختی دارد، به اعتبار آن نقطه نظرها و به اعتبار اعتمادی که به این افراد دارد، رابطه‌شان را با حزب تنظیم کنند. چه لزومی دارد که ما پای امام را همه جا به میان بکشیم؟ این نقطه نظر بنده بود. منتها ما از همان اول چون خودمان مقید بودیم که این گونه اقدامات را با امام، به عنوان رهبر، در میان بگذاریم، مطلب را به ایشان در میان گذاشتیم و ایشان فرمودند که خوب است، اقدام کنید.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) ایشان همچنین با وجود اعتقاد به جامعه‌ای متشکل از امام و امت، تشکیلات را در طول رهبری بیان می‌کند نه در عرض آن که بایستی تحقق‌بخشنده‌ی نظام امامت و امت باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) در توضیح دقیق‌تر این رابطه ایشان به طور صریح می‌فرمایند: «حزب در حقیقت عبارت از یک گروه سازمان یافته در رابطه تام با ولایت فقیه برای برنامه ریزی و اجرا، همان طور که عرض کردم بخش مهم تحزب عبارت است از این که ما برای برنامه ریزی و اجرا مجموعه‌های منظم داشته باشیم و حزب در حقیقت در همان خط و در همان راستای عمومی ولایت قرار می‌گیرد و مسئولیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

۲-۱. شاخص‌های ماهوی احزاب در اندیشه شهید بهشتی (ره)

۲-۱-۱. تعریف حزب

شهید بهشتی از عنوان تشکل برای موضوع حزب استفاده می‌کند و از نگاه ایشان نباید دعوای لفظی با این موضوع کرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۳۴) ایشان در تعریف تحزب و تشکل موجود

و مطلوب ضمن تقسیم آن به دو نوع ضد اسلامی و اسلامی بیان می کند تشکل ضد اسلامی یعنی تشکلی که افرادی دور هم جمع شوند و بگویند «فقط ما» و خودخواه باشند. «این طرز تفکر، خودش شیطانی و اهریمنی است می خواهد مال یک فرد باشد، می خواهد مال یک تشکیلات باشد. تشکل انحصارطلب و انحصاراندیش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمعی که باشد، شیطانی از کار در می آید. طاغوت معنایش همین است.» همچنین ایشان در تعریف تشکل مطلوب چنین می آورند: تشکل الهی آن است که نیروهای مؤمن به خدا، متشکل می شوند تا در حد توان از ارزش های اسلامی دفاع کنند و صاحبان این ارزش ها در نظرشان هر جا که باشند، محترم و معتبرند. شهید این تشکل را تشکل الهی می نامد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۹۹-۹۸) شهید بهشتی در یک جمع بندی از تشکل می فرماید: «تشکل یعنی مجموعه ای از افراد که بر اساس آرمان مشترک و ایمان مشترک و باور مشترک و نقطه نظرهای مشترک گرد هم می آیند تا جماعت بشوند که یدالله مع الجماعه، به خصوص تا بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته جمعی و برای رشد استعدادها و شناخت و تربیت کادرها و تهیه برنامه ها و قبول مسئولیت اجرای برنامه ها هموارتر کنند. این تعریف تشکیلات از نظر ماست.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

۲-۱- نفی یا اثبات ماهیت احزاب سیاسی و عوامل مؤثر بر آن

الف) اعتقاد به اصل ولایت فقیه و اسلام اجتهادی

ایشان وجود ولایت فقیه برای جامعه اسلامی را ضروری خوانده و اعتقاد به این اصل را یکی از ویژگی های تشکیلات مورد نظر خود می دانستند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸)

ب) شرط مردمی بودن

«دیگر اینکه تشکیلاتی باشد متعلق به همه مردم... به همه ی قشرهای اجتماعی متصل و مرتبط باشد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸)

ج) عدم انحصارطلبی حزبی و پاسدار ارزش ها بودن

خصوصیت دیگر آنکه در عین حال که می کوشد، هر چه می تواند وسیع تر و گسترده تر و فراگیرتر باشد و نیز انحصارطلب نباشد. ایشان یکی از اصول تشکیلاتی حزب جمهوری را همین عدم انحصارطلبی در معرفی نامزدهای صالح تر نه ضرورتاً از درون حزب، برای هر سمت و پست می دانستند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸)

د) آزادی احزاب و در عین حال، پرهیز از خیانت

آیت‌الله بهشتی در پاسخ به سوالی در مورد ادامه‌ی فعالیت احزاب غیر اسلامی به ویژه چپی‌ها و مسئله‌ی همکاری با ایشان شرط خائن نبودن را اساسی عنوان می‌نماید. (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۰۴/۰۵، شماره ۲۳)

ه) ضرورت حفظ وحدت توأم با اختلاف سلیقه

شهید بهشتی با توجه به شرایط حساس انقلاب، از تمام افراد هم‌صف در تشکل‌ها و روشنفکران متعهد درخواست دارد تا با کنار گذاشتن اختلاف سلیقه، وحدت که رمز پیروزی انقلاب بود را حفظ کنند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۰۸/۰۵)

و) پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و پرهیز از دروغ

ایشان با اصیل دانستن ارزش‌های اخلاقی برای حزب، نسبت به ابزارشدن اخلاق برای گروه‌ها و تشکل‌ها هشدار می‌دهد. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۱/۰۴/۱۵)

ز) عشق به خدا یکی از خصوصیات احزاب

«حزب جمهوری اسلامی بر این اساس به وجود آمد که همه مواضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ما و همه‌ی مواضع عاطفی و رفتاری ما باید بر مبنای عشق به خدا تنظیم گردد. این اصولی‌ترین موضع این حزب است.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۶)

ح) ایمان و اخلاص الهی

آیت‌الله بهشتی در مورد روح تشکیلات معتقد هستند: «یادمان نرود که روح این کار (تشکیلات)، ایمان به خدا و اخلاص برای خدا و عمل صالح است.» (همان: ۱۳۰)

ط) حفظ آزادی افراد حزب و عدم استنتاج انسان‌قالبی

شهید بهشتی یکی از خطرات تشکیلات را این می‌دانست که انسان قالبی بسازد لذا معتقد بودند باید در عین حفظ پیوند تشکیلاتی، انسان‌ها بتوانند آزاد بیاندیشند، انتقاد کنند و تصمیم بگیرند و همین خصلت غیرتحمیلی بودن در تشکیلات را موجب رحمانی شدن تشکیلات عنوان می‌نماید (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

ی) ابزارانگاری قدرت و اصالت خدمت

شهید بهشتی در مصاحبه با خبرنگار مجله اورگان^۱ موضوع قدرت و کسب قدرت در حزب و اصالت آن را در دارای دو فرمول دانسته یکی قدرت به صورت یک خواسته و هدف در شکل تفوق طلبی و برتری‌جویی و یکی به صورت وسیله و برای یک خواسته‌ی دیگر که همان خدمت به خلق برای رضای خداست. ایشان خود و حزبشان را در پی نوع دوم قدرت تلقی می‌نمایند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۶۸)

ک) نفی گروه‌گرایی

ایشان گروه‌گرایی را بر نمی‌تابند و هرچند تشکل را مهم می‌دانستند اما بین انتخاب کار درست و صفت تعصب گروهی، در نظر و عمل گروه‌گرایی را نفی می‌نمایند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۳۴)

ل) دوری از حزب طاغوتی

ایشان خداخواهی و حافظ ارزش‌ها بودن را از خصایص ضروری تشکل دانسته و ورود به دایره‌ی خودخواهی که همان خصیصه‌ی طاغوتی است را باعث سلب فعالیت تشکل عنوان می‌کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۱۱)

م) کمک به خودسازی و تسهیل در سیر الی‌الله

یک خصیصه دیگر تشکل، الهی بودن آن است به نحوی که کار در تشکیلات به مثابه خودسازی اعضا باشد و به سیر الی‌الله آنان کمک نماید. به عبارتی به نظر شهید بهشتی، تشکل نباید ینهی عن ذکر الله باشد و کار در تشکل باید به مثابه عبادت باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۱۲)

ن) به درد مردم خوردن

ایشان بر اساس آنکه مومن از کار لغو پرهیز می‌نماید یکی از خصایص ضروری تشکل را به درد مردم خوردن آن عنوان می‌نمایند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۱۲)

به طور خلاصه مهم‌ترین شاخص‌ها و یا به عبارتی مخصص‌های ماهوی احزاب سیاسی عبارت است از:



نمودار شماره ۳: شاخص‌های ماهوی احزاب سیاسی از نگاه شهید بهشتی (ره)

(منبع: طراحی شده توسط محقق)

۳-۲-۱. اهداف احزاب سیاسی در نگاه شهید بهشتی (ره)

با نگاهی به دو مطلب ویژه از شهید بهشتی می‌توان اهداف زیر را به عنوان اهداف مطلوب

احزاب نزد ایشان بیان نمود.



نمودار شماره ۴: اهداف حزب از نگاه شهید بهشتی (ره) (منبع: طراحی شده توسط محقق)^۱

۳-۱. شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه شهید بهشتی (ره)

۳-۱-۱. سازمان‌یابی و تشکیل نیروهای انقلابی

شهید بهشتی، یکی از دلایل تأسیس حزب جمهوری را سازمان‌یابی نیروهای انقلابی که قبلاً فرصت شکوفایی نداشتند، عنوان می‌نماید. «در رابطه با حزب جمهوری اسلامی بایستی این پیام را به ملت ایران برسانم که برای قدرت‌طلبی تأسیس نشده است، بلکه صرفاً به این دلیل که جای مناسبی برای سازمان‌یابی و تشکیل نیروهای انقلابی مسلمان باشد، که قبلاً فرصت شکوفایی

۱- نک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۵ شماره ۲۳ و حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰

نداشته‌اند، به وجود آمده است و نمی‌دانم چرا این حرکت ما به گونه‌ای دیگر وانمود می‌شود؛...»
(روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۰۵/۱۰)

۲-۳-۱. حفظ و تقویت نظام اسلامی

آیت‌الله بهشتی یکی از دلایل نابودی دستاوردهای دکتر مصدق را نبود تشکیلات دانسته و راه حفظ و نگهداشت پیروزی انقلاب را نیرویی مشکل و سازمان‌یافته که از مردم باشند، بیان می‌کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۱)

۳-۳-۱. توزیع و نشر اخبار

«زمانی داشتن یک روزنامه‌ی سیاسی که در اختیار اندیشه‌ی اسلامی باشد، جزء آرزوها بود. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در عین حال که ارگان حزب است، ولی نیمه مستقل می‌باشد...»
(روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۰۱/۲۸)

۴-۳-۱. کارکرد انتخاباتی و معرفی اصلح

شهید بهشتی در مورد کارکرد انتخاباتی احزاب می‌فرماید: «این را هم باید خوانندگان داوری کنند که آیا فعالیت یک حزب برای اینکه رئیس‌جمهوری معین و نامزد کند و برای انتخاب شدن او فعالیت کند و برای اینکه نمایندگانی که صالح می‌داند آن‌ها را به مجلس بفرستند، آیا این توطئه است یا نه؟ اصولاً فلسفه‌ی تشکیل حزب این است و ما به همین منظور برای تشکیل حزب جمهوری اسلامی اقدام کردیم و هدف خودمان را برای تشکیل حزب جمهوری اسلامی صریحاً اعلام کردیم.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۲۸)

۵-۳-۱. شناخت استعدادها و شکوفایی و هماهنگی آن

شهید بهشتی حزب را محلی برای شناسایی استعدادها، شکوفایی آن‌ها و محیطی مناسب برای همکاری هماهنگ می‌دانند و می‌گویند این هنر تشکیلات است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۷۵)

۶-۳-۱. جلوگیری از ایجاد باندهای قدرت و وحدت شکنی

یکی از کارکردهای احزاب در نگاه ایشان مقابله با ایجاد باندها و وحدت‌شکنی است؛ از این منظر حزب باید کارکرد وحدت‌بخشی داشته باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۷۷)

۷-۳-۱. انتقاد و نصیحت به رهبری

یکی از کارکردهای حزب در اندیشه‌ی شهید بهشتی، تذکر و نصیحت حکومت اسلامی است. «خوب دقت کنید! انتقاد و تذکر و نصیحت و النصیحة لائمة المسلمین لازم است. این وظیفه است. اما بعد از نصیحت (نصیحت یعنی تذکر دلسوزانه)، بعد از تذکر دلسوزانه متعهدانه، تذکر صریح، بی‌پرده و بی‌رودر بایستی اما همراه با ادب و همراه با این آمادگی که ما تذکرمان را می‌دهیم. شما هم جمع‌بندی کنید، وقتی جمع‌بندی کردید، ما همان را اجرا می‌کنیم و لو برخلاف تذکر ما باشد. این تربیت اسلامی است.» (همان: ۲۳۵)

۸-۳-۱. مقابله ایدئولوژیک با گروه‌های فکری و سیاسی

شهید بهشتی در پاسخ به سؤالی در مورد رشد گروه‌های فکری و سیاسی در جامعه بر ضرورت اقدام حزب در مبارزه‌ی ایدئولوژیک تأکید ویژه داشتند که به واسطه‌ی مشغله‌های اجرایی رهبران حزب، این نقیصه در آن وجود داشته است. (بهشتی، ۱۳۷۸ شماره ۵۳-۵۶)

به طور خلاصه با توجه به فیش‌های بالا و نیز سیره‌ی عملی شهید بهشتی در چارچوب حزب سیاسی جمهوری اسلامی، کارکردهای احزاب سیاسی از منظر آیت‌الله بهشتی (ره) بدین قرار است:



نمودار شماره ۵: شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه شهید بهشتی (ره)

(منبع: طراحی شده توسط محقق)

۲. ماهیت و کارکرد حزب سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)

بر کسی پوشیده نیست که آیت‌الله مهدوی‌کنی چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، بر ضرورت کار تشکیلاتی سیاسی تأکید داشته‌اند و این تأکید در عملکرد ایشان کاملاً مبرهن است

برای نمونه اگر به سند زیر که از ساواک به دست آمده دقت شود، نمونه‌ی کار تشکیلاتی فرهنگی پیش از انقلاب ایشان با سایر یاران انقلابی به وضوح دیده می‌شود. «شیخ مهدوی کنی از روحانیون تهران که مدتی در زندان بود، پس از آزادی از زندان به مشهد مسافرت و با سید علی خامنه‌ای تماس گرفته است. شیخ عباس واعظ طبسی، عبدالکریم هاشمی نژاد، محمدرضا محامی، هادی خامنه‌ای و چند نفر دیگر از شیخ مهدوی کنی در منزل خامنه‌ای دیدن کرده و در مورد علل گرایش و انحرافات جوانان مسلمان به مکتب مارکسیستی بحث و گفتگو می‌نمایند و به این نتیجه می‌رسند که بایستی مذهب را در بین جوانان رواج داد تا از مارکسیسم دوری نمایند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی) ایشان در منصب‌های مختلف و در صحنه‌های گوناگون، پایبندی خود به کار جمعی برای حفظ و عظمت انقلاب اسلامی را لحظه‌ای وانهاد. وی با تاسیس دانشگاه امام صادق (ع) مهم‌ترین مرکز کادرسازی انقلاب اسلامی را به وجود آورد و از سویی با هدایت روحانیت مبارز در انتخابات‌های مختلف نقش آفرینی ویژه‌ای در جامعه‌ی روحانیت نمود.

۱-۲. مبانی نظری مرتبط با ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی^(ره)

۱-۲-۱. ولایت فقیه و نسبت آن با مشارکت سیاسی

آیت‌الله مهدوی کنی (ره) همواره در تمام دوره‌های زندگی‌شان به لزوم متابعت از ولایت فقیه تأکید داشته و این امر در سیره عملی و رفتاری ایشان نیز نمود ویژه‌ای داشته است. «... مسئله ولایت فقیه به معنی نفی مقررات عمومی و نادیده گرفتن مراتب مدیریت در ساختار حکومت و نظام اسلامی نیست. ولایت، در مقام اجرا، روح حکومت و موجب قوام آن در برابر انحرافات است و در واقع ولایت عمود نظام اسلامی و انقلاب دینی ما است و اعمال آن بدون حفظ ساختار قانونی، نامعقول ناممکن است و در حقیقت این ساختار مورد تأیید والی است و نظام ولایی بدون این ساختار عملاً غیر موثر و اصولاً ولایت بدون آن مفهوم و معنا ندارد؛ زیرا ولایت دینی مبتنی بر اعتقاد مردم است و اعتقاد امری قلبی است و با زور و تحمیل به دست نمی‌آید. از این رو بر فرض تکثر و تعدد والی و بر فرض رقابت و تراحم، به طور قطع رأی اکثریت مردم در چارچوب ضوابط دینی تعیین‌کننده خواهد بود. نظر آیت‌الله مهدوی کنی در مورد تأثیر و اهمیت نقش مردم به حدی

است که ایشان در این مورد از امام خمینی^(ره) سوال می‌پرسند: ...چرا در بعضی از کارهایی در قانون اساسی نیست دخالت می‌فرمایید؟ ...ایشان تأملی کردند و با ناراحتی فرمودند شما می‌گویید که انقلاب از بین برود من هیچ چیز نگویم. من این قانون اساسی را قبول دارم، تا جایی که احساس خطر برای اسلام و انقلاب نکنم، اما اگر احساس خطر کنم نمی‌توانم ساکت بنشینم و نظاره‌گر نابودی اسلام و انقلاب باشم.». (خواججه سروی، ۱۳۸۵: ۳۶۷-۳۷۰) ایشان با مبنا قرار دادن ولایت خدا و ولایت معصومین^(علیهم‌السلام) و استوار بودن ولایت فقیه، بر آن دو که دلایل هریک در کتب مختلف اندیشمندان اسلامی وارد شده است از سویی آراء و نظرات را با قید موافقت با اسلام و انقلاب و نظر ولایت و از سویی، نظرات ولایت فقیه را در زمان برخورد و تزامن آرای مردم و اسلام، برتر از نظر مردم که نمونه بارز آن قانون اساسی است، می‌دانستند. بر این اساس، نظر ایشان در مورد جایگاه حزب در نظام اسلامی مرتبه‌ای بین قانون اساسی و نظرات ولایت فقیه دارد. ضمن آنکه، ایشان اصلاً روی کار آمدن احزاب مخالف ولایت فقیه را نادرست دانسته و از اساس مخالف آنان است. (پیام صادق، شماره ۱۵ و ۱۶: ۵ و خواججه سروی، ۱۳۸۵: ۴۲۲)

۲-۱-۲. ضرورت پابندی به دو محور وفاق از سوی احزاب و جریانات سیاسی

آیت‌الله مهدوی‌کنی در مورد حد و مرز و محور وفاق ملی برای افراد و گروه‌های سیاسی انقلابی تحت عنوان حزب‌اللهی بیان می‌دارند «ما دو محور برای وفاق داریم. یکی ایده‌ی دینی و اسلامی ماست که جنبه‌های اجتماعی و سیاسی آن در قانون اساسی متبلور است و دومی رهبری است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همین دو محور را به مردم نشان دادند و فرمودند: «کتاب‌الله و عترتی». این دو محور وفاق را نباید جدا از هم دانست. ...اگر کسی بگوید قانون اساسی را قبول دارم ولی به رهبری احترام نگذارد، یا اگر کسی بگوید رهبری را قبول دارم ولی به قانون اساسی عمل نمی‌کنم، با این گونه برخوردها وفاق غیرممکن می‌شود. نیروهای حزب‌اللهی باید صادقانه به این دو محور توجه داشته باشند. مقصودم این است که خواسته‌های فردی و گروهی را کنار بگذارند. باید واقعیت و حقیقت بر رفتار حزب‌اللهی‌ها و نمایندگان مجلس حاکم باشد.» (خواججه سروی، ۱۳۸۵: ۴۳۳)

۳-۱-۲. تبیین نسبت دین و اراده مردم در نظام اسلامی

آیت‌الله مهدوی‌کنی تعبیر مردم‌سالاری دینی را تعبیری مبهم دانسته که در آن مشخص نیست مردم سالار هستند یا دین و اگر مردم سالارند بر چه چیزی سالار هستند؟ ایشان تعبیر دین‌سالاری مردمی را پیشنهاد می‌دهند که در آن دین که مورد پذیرش مردم قرار گرفته بر مردم سالار و حاکم قرار می‌گیرد؛ در عین حال این مردم‌اند که در عین اراده و اختیار مسئول و مکلف‌اند. اگر مردم دین را پذیرفتند، دین بر آن‌ها حکومت می‌کند و اگر نپذیرفتند به تکلیف عقلی و فطری خویش عمل نکرده‌اند و تاوانش را باید پردازند. البته این دین‌سالاری وابسته به اراده و خواست مردم است؛ چون تنها در صورتی دین می‌تواند سالار باشد که مردم آن را پذیرفته باشند، پس تا همه‌ی مردم یا اکثریت مردم نپذیرفتند، دین نمی‌تواند حاکم باشد و این معنی مردمی بودن دین‌سالاری است. دین امری عقیدتی و قلبی است و پذیرش آن قهراً در اختیار مردم است. در این تعبیر اراده‌ی عمومی و حاکمیت دین دوشادوش یکدیگرند. یعنی هم اراده‌ی مردم مداخلت دارد و هم دین. ایشان معتقد هستند ما اگر اسلامیت را حفظ کنیم جمهوری قهراً حفظ خواهد شد؛ زیرا اسلام دین فردی نیست بلکه دین اجتماعی و جمهوری است و بدون حضور مردم ثبات و بقایی ندارد. یعنی شخصیت جمهوری با اسلامیت توأم است؛ زیرا هویت مردم با اسلامیت است پس احترام به اسلام یعنی احترام به جمهوری اسلامی. (خواج‌سروی، ۱۳۸۵: ۴۲۸ و پیام صادق شماره ۴۴ ص ۲) به بیان دیگر در یک رابطه‌ی طرفینی، مردم خواهان حکومت دین بر خود و دین نیز با برنامه و حاکمیت منتسب به آن خواهان حکومت بر مردم می‌شود. بر این اساس جایگاه مشارکت سیاسی و احزاب نیز ذیل این رابطه تعریف می‌شود، یعنی احزاب خواهان شرکت در حاکمیت اسلامی، بایستی برتری دین و احکام آن را قبول و در هنگام عمل از آن استفاده تام نمایند تا مقام حاکمیت دین، منجز شود.

۲-۲. شاخص‌های ماهوی احزاب در اندیشه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)

۱-۲-۲. تعریف حزب

آیت‌الله مهدوی‌کنی با تقسیم حزب به احزاب موجود و مطلوب خود در تعریف حزب موجود می‌فرماید: «حزب یک جمعیت فراگیر را گویند که به صنف خاصی اختصاص ندارد. اگر صنف

خاصی-دینی یا غیر دینی- دور هم جمع شوند، حزب نمی‌گویند. بنابراین اطلاق حزب بر جامعه‌ی روحانیت اصلاً درست نیست.» (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۱۷۶) ایشان معتقد است احزاب معمولاً به خاطر کسب قدرت و اهداف سیاسی تشکیل و در این راستا مرام‌نامه‌ای دارند و برای دوره‌ی پس از کسب قدرت برنامه‌ریزی می‌کنند و اگر کار فرهنگی می‌کنند در حاشیه سایر کارهایش است. (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۱۷۷) ایشان در مورد تشکل موردنظر خودشان یعنی جامعه‌ی روحانیت کار و دغدغه‌ی فرهنگی را محور اقدامات و بحث‌های سیاسی را برای تشکل، پیرامونی عنوان می‌نمایند. هدف این تشکیلات اهداف دینی و تحکیم و ترویج رسالت بوده است و روش‌های احزاب دنیا را بر نمی‌تابد. تشکل مطلوب ایشان خواهان تشکیل حکومت اسلامی است اما نه به صورتی انحصارطلبانه. (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۱۷۷)

۲-۲-۲. نفی یا اثبات ماهیت احزاب سیاسی و عوامل مؤثر بر آن

الف) اشکال منجر به شکست حزب جمهوری

«اشکالی که حزب داشت_ که در آخر هم منجر به تعطیلی حزب شد و به تعبیر مرحوم امام (ره) فتیله‌ی آن پایین آمد_ این بود که حزبی‌ها تجربه‌ی حزبی نداشتند، در عین حال که آدم‌های خوبی بودند. غیر از مرکز که برادران بزرگوار در آن بودند و به انتخاب افراد می‌پرداختند گروه‌گرایی در حزب حاکم بود. شاید قسمتی از آن هم نه از روی عمد بلکه از روی بی‌تجربگی بود و این، سبب شد که خیلی‌ها از حزب دفع شوند. در خود اصفهان هم نتوانسته بودند بسیاری از علما را جذب کنند.» (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۲۹۰)

ب) اعتقاد به شرکت تمام گروه‌های طرفدار انقلاب در انتخابات

«اعتقاد شخصی بنده این است که همه‌ی گروه‌های طرفدار انقلاب در انتخابات شرکت کنند و البته این حرف را از طرف جامعه‌ی روحانیت نمی‌زنم چون نه دبیر این جامعه هستم و نه سخنگوی آن؛ بلکه به عنوان یک روحانی می‌گویم.» (پیام صادق، بهمن و اسفند ۱۳۷۴: ۵) و یا ایشان می‌فرماید: اگر افرادی را حوزه علمیه و یا جامعه‌ی روحانیت مبارز تایید می‌کند به معنای عدم صلاحیت دیگران نیست، چرا که اگر ما تمام داوطلبان صاحب صلاحیت را نام ببریم، مردم متحیر می‌شوند لذا برای انجام رسالت خود افراد اصلح را معرفی می‌کنیم. (جعفری، ۱۳۹۳: ۹۱)

ج) آزادی احزاب در چارچوب قانون

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌ها و دستجات مختلف سیاسی در گوشه و کنار، به یاری‌گیری پرداخته و سهم خود را از انقلاب طلب می‌کردند. آیت‌الله مهدوی‌کنی نیز به عنوان عضو شورای انقلاب این آزادی را در چارچوب قانون می‌دانست و می‌گفت: «در قانون اساسی تصویب‌شده‌ی ایران، فعالیت احزاب و دستجات سیاسی و اجتماعی و مذهبی مادامی که برخلاف مبانی اسلام و رژیم جمهوری اسلامی فعالیت نمی‌کنند، آزاد است و این یک اصل کلی است...» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۴۷)

د) موافقت با تحزب به شرط رعایت الزامات نظام ولایی

آیت‌الله مهدوی‌کنی در مورد فعالیت احزاب بیان می‌کنند: «بنده با روحانیت به عنوان یک حزب مخالفم و مقصودم از روحانیت نه «جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران» است، مقصودم مجمع روحانیت شیعه است اما اینکه مردم حزب درست بکنند یا نکنند مسئله دیگری است البته در یک نظام ولایی که ولایت فقیه حاکمیت دارد، احزاب، با احزاب غربی و آمریکایی فرق دارند. زیرا آن احزاب و عملکرد آن‌ها با بافت نظام ما تناسب ندارد.» (پیام صادق، مهر و آبان ۱۳۷۵: ۳۱)

ه) مشروط بودن رأی مردم

آیت‌الله مهدوی‌کنی رأی مردم را مهم می‌دانند ولی بر این باورند که این احترام باید به نحوی باشد که اصول اساسی زیر سوال نرود (گفتگو با آیت‌الله مهدوی‌کنی، صبح ۶۷، اسفند ۱۳۷۵: ۶ به نقل از ناظری)

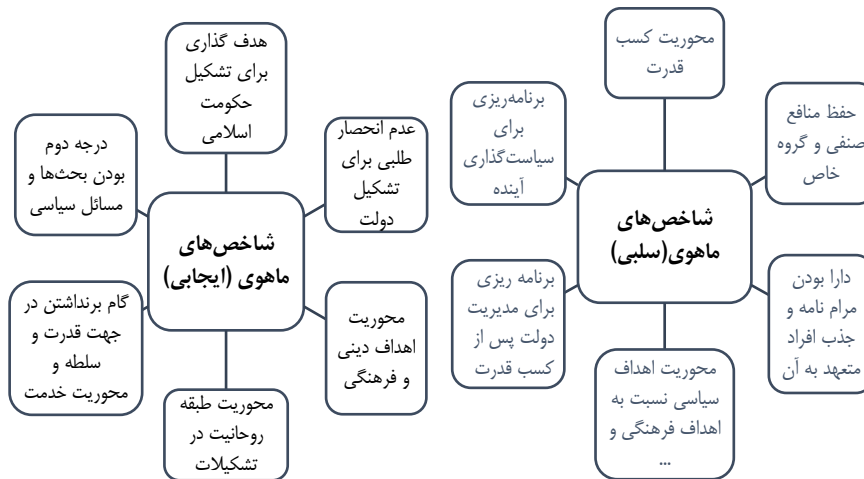
و) پذیرش اختلاف سلیقه‌ها با یکدیگر

آیت‌الله مهدوی‌کنی در مورد اعلام نامزد مورد نظرشان اظهار نظر در مسائل اجتماعی را جالب ندانسته و نظرشان بر این بود که بین جمع‌های مختلف روحانیت (جامعه‌ی روحانیت، جامعه‌ی مدرسین و مجمع روحانیون) در این خصوص وحدت نظر شکل بگیرد؛ اما اختلاف نظر و سلیقه را پذیرفته و آن را ناشی از طبع بشر و منشاء کمال می‌دانستند، البته به شرطی که این اختلافات به نزاع نیانجامد. (پیام صادق، مهر و آبان ۱۳۷۵: ۳۱)

ز) پرهیز از گروه‌گرایی در حزب

آیت‌الله مهدوی‌کنی یکی از مضرات حزب را دست‌دسته کردن مردم عنوان کرده و نفس همین دسته‌دسته شدن در درون حزب را موجب جدایی‌ها و درگیری‌ها عنوان می‌نمایند. (خواججه‌سروی، ۱۳۸۵: ۳۰۴)

در نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی با توجه به بیانات بالا و عباراتی که در ادامه می‌آید؛ می‌توان دو نوع شاخص سلبی نسبت به احزاب سیاسی غربی، و ایجابی نسبت به تشکل مدنظر خودشان را یافت که از جمع بین این دو، می‌توان به شاخص‌های ماهوی احزابی سیاسی دست یافت.

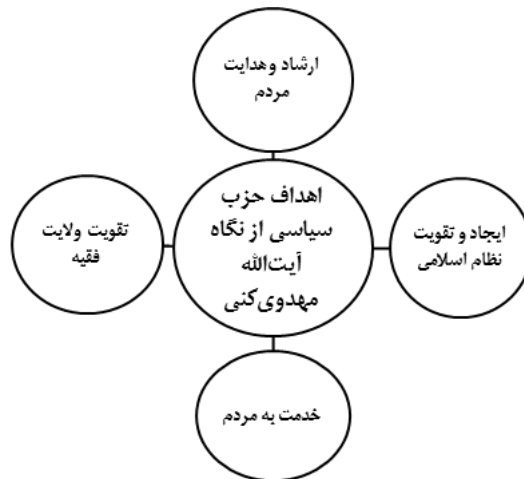


نمودار شماره ۶: شاخص‌های ماهوی احزاب سیاسی از نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)
(منبع: طراحی شده توسط محقق)

۲-۲-۳. اهداف احزاب سیاسی در نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)

با نگاهی به بیانات آیت‌الله مهدوی‌کنی که در بالا ذکر شد؛ اهم اهداف تشکل مورد نظر ایشان از

این قرار است:

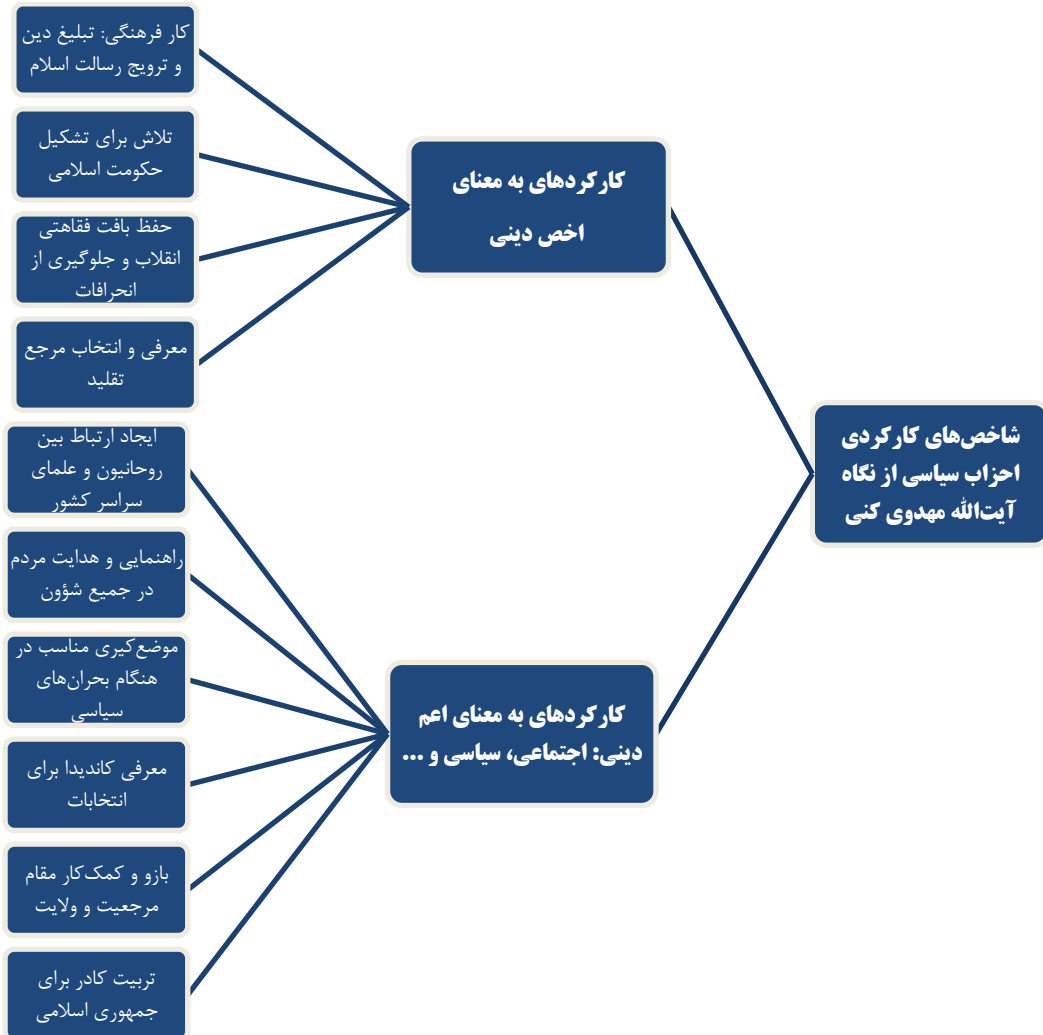


نمودار شماره ۷: اهداف حزب سیاسی از نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)

(منبع: طراحی شده توسط محقق)

۲-۳. شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)

بر اساس فیش‌ها و سخنرانی‌های گردآوری شده از بیانات و مکتوبات آیت‌الله مهدوی‌کنی، می‌توان موارد زیر را به عنوان مهم‌ترین کارکردهای تشکل سیاسی در نظر داشت:



نمودار شماره ۸: شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

(منبع: طراحی شده توسط محقق)

نتیجه‌گیری

شهید بهشتی با رویش و ایجاد تشکل سیاسی در کشور موافقت کامل دارند و آن را همان‌گونه که بیان شد برای نظام اسلامی امام و امت، ضروری می‌داند. ایشان با شکل‌گیری گروه‌های مختلف سیاسی هم‌جهت موافقت دارند، اما از سویی مطلوب نزد ایشان این است، که همگی در یک مسیر و در یک تشکل بزرگ‌تر با یکدیگر همراه شوند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳) ایشان با اختلاف سلاقی گروه‌ها معارضه‌ای ندارد و بر رابطه‌ی اخوت میانشان تأکید دارند اما در مورد سایر گروه‌ها و رابطه‌ی با ایشان آن‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: گروهی که ضد اسلام نیستند، هرچند طبق اسلام نیز نیستند، که فعالیت آن‌ها را آزاد می‌داند ولی به آن‌ها رویکردی انتقادی دارد، دسته‌ی دوم، آن‌هایی هستند که ضد اسلام‌اند که اگر علیه جمهوری اسلامی توطئه نکنند باز آزادند فعالیت کنند و در صورت شمشیر کشیدن علیه جمهوری اسلامی بایستی با ایشان به عنوان جمعیتی غیرقانونی برخورد شود. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۰۸) حزب مورد نظر آیت‌الله بهشتی باید رنگی و صبغه‌ای الهی داشته و ارشاد و هدایت مردم که از رسالت‌های انبیاء است مورد توجه جدی احزاب قرار گیرد. از این رو سابقه و ریشه‌ی احزاب سیاسی با این موضع، به دوره‌ی حکومت الهی نبی اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) باز می‌گردد. خدمت به مردم، هدایت فکری، سازمان‌بخشی به نیروهای انقلاب و همراه کردن مردم از مهمترین خصایص احزاب، نزد آیت‌الله بهشتی می‌باشد. از سویی کارکردهای مختلفی برای احزاب از سوی ایشان ذکر می‌شود. اما مهمترین آن‌ها، همان هدایت و ارشاد مردم، امر به معروف، حفاظت و حراست از نظام اسلامی است. حزب نزد ایشان دارای ماهیتی ابزاری است، و خود نفس حزب و حزبی شدن وسیله‌ای است برای انسجام نیروهای فعال اجتماعی و به تعبیری؛ خدمت. در نگاه آیت‌الله بهشتی، احزاب در چارچوب قانون و ولایت فقیه عمل می‌کنند و با فعالیت‌های مخرب و خلاف مصالح ملی آن‌ها باید مقابله گردد. موضوع دیگر بحث وحدت است که به نظر با تحزب و حزبی شدن در تقابل باشد؛ اما آیت‌الله بهشتی این موضوع را نفی کرده و بر این اعتقاد هستند که از جمله راه‌های حفظ

و ایجاد وحدت، ایجاد حزب اسلامی است که البته در رأس آن نیز ولایت فقیه و امام نقش رهبری کلان جامعه از جمله حزب را داشته باشد.

آیت‌الله مهدوی‌کنی نیز هرچند برای تشکل سیاسی مورد نظر خود مشروعیت دینی قائل بود، اما فعالیت احزاب مرسوم که در قانون اساسی نیز ماهیت حقوقی دارند در فضای سیاسی کشور را رد نکرده است اما برای آن - با توجه به نظام ولایی مردم انقلابی و مسلمان ایران - شرایط و هنجارهایی را مفروض می‌گیرد که لزوماً به معنای تقویت جایگاه ولایت فقیه، راهنمایی مردم در امور سیاسی و انجام خدمت خالصانه خواهد بود. این فقیه سیاستمدار با جمع بین فقاہت و احکام فقهی و نگاه کلامی به مسئله‌ی ولایت، ضرورت ولایت‌مداری را برای تمام طرفداران انقلاب ضروری می‌دانست و با نگاهی عاری از خط‌کشی‌های سیاسی، طرفداران انقلاب را در یک جبهه می‌دید و قضاوت می‌کرد. آیت‌الله مهدوی‌کنی نسبت به محاسن حزب آگاه بود و تا حد ممکن از محاسن آن استفاده می‌کرد ولی با نگاه به معایب و آسیب‌های این سازمان اجتماعی_سیاسی، تا حد امکان مرزبندی خود و جامعه‌ی روحانیت را از آن بیان و عملیاتی می‌کرد.

با نگاهی به سخنان و افکار منسجم آیت‌الله مهدوی، که ریشه در مبانی متقن فقهی دارد؛ می‌توان ویژگی‌های زیر را برای حزب یا تشکل مورد نظر آیت‌الله مهدوی (ره) در مقابل خصایص حزب مطروحه در اندیشه غربی برشمرد. دارا بودن اهداف الهی و در راستای رسالت اولیاء، غلبه مباحث فرهنگی بر سایر حوزه‌ها، محوریت داشتن خدمت و ابزارانگاری قدرت، اهمیت حضور و محوریت روحانیت شیعه در رأس آن و ... در مجموع نگارنده براین عقیده است که حزب مطلوب آیت‌الله مهدوی در حوزه افراد، دارای بدنه روحانی و یا اکثراً روحانی انقلابی، در بخش اهداف، دارای اهداف اسلامی و الهی در مسیر حرکت انبیاء، در بخش ساختار، در ذیل رهبری و مرجعیت قابل تعریف است و در زمینه ارتباط با مردم، اعضای حزب به عنوان نقش‌های و راهنمایی از خود مردم، با پذیرش خود مردم و بر مردم قابلیت تاثیرگذاری خواهند داشت؛ لذا ورود به این عرصه و کسب قدرت جز از طریق جلب رضایت مردم با خدمت خالصانه و حرکت در چارچوب مسیر ولایت الهی محقق نخواهد شد.

تطبیق شاخص‌های ماهوی احزاب از نظر دو اندیشمند

نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)	نگاه شهید بهشتی (ره)
درجه دوم بودن بحث‌ها و مسائل سیاسی	حفظ آزادی افراد
گام پرنداشتن در جهت قدرت و سلطه و محوریت خلعت	نفی گروه‌گرایی
محوریت طبقه روحانیت در تشکیلات	ایزارانگاری قدرت و اصالت خدمت
محوریت اهداف دینی و فرهنگی	ایمان و اخلاص الهی
پن‌گیری مصالح ملی در مقابل منافع حزبی	عشق به خدا
عدم انحصار طلبی برای تشکیل دولت	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و پرهیز از دروغ
هدف‌گذاری برای تشکیل حکومت اسلامی	ضرورت حفظ وحدت توأم با اختلاف سلیق
	آزادی به دور از خیانت
	شرط مردمی بودن
	اعتقاد به اصل ولایت فقیه و اسلام جهادی
	عدم انحصار طلبی حزبی
	به درد مردم خوردن
	خودسازی و سهولت سیر الی‌الله
	دوری از حزب طاغوتی

جدول شماره ۲: تطبیق شاخص‌های ماهوی احزاب از نظر دو اندیشمند

(منبع: طراحی شده توسط محقق)

در بین شاخص‌ها و یا به عبارتی مشخص‌هایی که ماهیت احزاب سیاسی را برای مخاطب روشن می‌نماید، شاخص‌هایی مانند حفظ وحدت، تحت چارچوب قانون و ولایت حرکت کردن، پذیرش اختلاف سلیق، شرط پشتیبانی مردمی، پرهیز از انحصار طلبی و ولایت حزبی، نگاه درجه

دوم به کسب قدرت، شاخص‌هایی هستند که مورد توافق است. اما از سویی برخی از شاخص‌ها نیز ویژه‌ی هر شخصیت هستند.

تطبیق شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه نخبگان مورد مطالعه

نگاه شهید بهشتی (ره)	نگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)
تبلیغ ایدئولوژی اسلامی	تبلیغ و ترویج رسالت اسلام
مقابله ایدئولوژیک با گروه‌های فکری و سیاسی	تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی
انتقاد و نصیحت به رهبری	حفظ بافت ففاهشی انقلاب و جلوگیری از انحرافات
جلوگیری از ایجاد پاندهای قدرت و وحدت شکنی	معرفی و انتخاب مرجع تقلید
شناخت استعدادها و شکوفایی آنها	ایجاد ارتباط بین روحانی‌ها و علمای سراسر کشور
کارکردهای انتخاباتی و معرفی اصالح	راهنمایی و هدایت مردم در جمیع شوؤن
توزیع و نشر اخبار	موضع‌گیری صحیح در هنگام بحران‌های سیاسی
حفظ و تقویت نظام اسلامی	بازو و کمک کار مقام مرجعیت و ولایت
سازمان‌بایی و شکل نیروهای انقلابی	تربیت کادر برای جمهوری اسلامی
کارکرد تربیتی	
کادرسازی برای انقلاب	

جدول شماره ۳: تطبیق شاخص‌های کارکردی احزاب سیاسی از نگاه دو اندیشمند (منبع: طراحی شده توسط محقق)

با نگاهی به کارکردهای حزبی مورد اشاره، می‌توان گفت؛ مهم‌ترین کارکرد احزاب سیاسی، کارکرد تربیتی و ارشاد و هدایت مردم است. بدین واسطه، احزاب سیاسی با الگو قرار دادن و محوریت رهبری جامعه‌ی اسلامی به عنوان نیروهای هدایت‌گر در عرصه‌های انتخاباتی و غیر آن به نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی مانند آن دست می‌زنند. از سویی پیش از تشکیل حکومت اسلامی حزب وظیفه‌ی روی کارآوردن این نظام، و پس از تشکیل حکومت اسلامی، حزب؛ کارکرد تثبیت و ارتقای نظام سیاسی مزبور را بر عهده دارد. روشنگری، هدایت، تذکر به نهادها و مسئولین، جلوگیری از انحرافات، تربیت نیروی انسانی برای جامعه اسلامی و کمک به تقویت وحدت، از جمله کارکردهای احزاب سیاسی است که مورد توافق دو اندیشمند مورد مطالعه می‌باشد.

فهرست منابع

Books

- Alam, Abdurrahman (1999), Foundations of Political Science, Tehran: Nei Publishing. [In Persian]
- Archives of the Islamic Revolution Document Center, file number 58, page 1. [In Persian]
- Ayobi, hojatallah(2000) The emergence and permanence of political parties in the West, Tehran: soroush. [In Persian]
- Bashiriyeh, Hossein (1995), Political Sociology and the Role of Social Forces in Political Life, Tehran: Nei Publishing. [In Persian]
- Cohen, Karl (1994), Democracy, translated by Fariborz Majidi, Tehran: Kharazmi Publications. [In Persian]
- Darabi, Ali (2004), on the line of thought (a re-examination of Martyr Beheshti's thoughts and the tragedy of the 7th of Tir 1360), Tehran: Islamic Propaganda Coordinating Council, hamahangi Publication. [In Persian]
- Downs, Anthony (1975), An Economic theory of Democracy (New York: Harper & Brothers.
- Duverger, Maurice (1954) Political Parties: Their Organization and Activities in the Modern state, trans. Barbara and Robert North. New York: Wiley.
- Eftekhari, Asghar (2006), Religious democracy, value or method, a collection of articles on religious democracy, Kazem Ghazizadeh, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, Arouj Publishing and Publishing Institute, Volume 1. [In Persian]
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad Hossein (2013), Province, Leadership, Clergy, Prepared and Edited: Foundation for Publishing the Works and Thoughts of Martyr Ayatollah Dr. Beheshti, Tehran: Boqeh Publications. [In Persian]
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad Hossein (2011), Islamic Republic Party (speeches, conversations, writings), Tehran: Rozaneh. [In Persian]
- Islamic Revolution Documentation Center (2015), Yar Imam Yavar Rahbar; The life and struggles of Ayatollah Mohammad Reza Mahdavi Kani, Tehran, Islamic Revolution Documents Center. [In Persian]
- Jaafari, Nader (2013), Moral policy and political ethics (a collection of sermons and speeches by Ayatollah Mahdavi Keni in Friday prayers in Tehran), Tehran: Imam Sadiq University Publications. [In Persian]
- Khajesaravi, Gholamreza (2005), Memoirs of Ayatollah Mahdavi Kani, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2006), Sahifa Imam, Tehran: Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works, Oruj Publishing. [In Persian]
- koleini,mohammad ebne yaghoob(2013) Asul Kafi, Book of Faith and Disbelief, chapter on concern for the affairs of Muslims, hadith 1, Osveh publishing. [In Arabic]
- Mohammadinejad, Hassan (1976), Political parties, first volume, Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
- Naqibzadeh, Ahmad (1999), political party and its performance in today's societies, Tehran, Dadgostar. [In Persian]
- Naqibzadeh, Ahmad (2000), An Introduction to Political Sociology, Tehran: Samt Publications. [In Persian]

- Office of Political Studies and Research of the Ministry of Interior (1999), Party and political development of theoretical foundations and doctrines, Tehran: Hamshahri Publications. [In Persian]
- Thought on the cause of the Present Discontents (1770), in Paul Langford, ed., The Writings and Speeches of Edmund Burk (Oxford: Clarendon Press.1981)

Thesis

- Nazeri, Mohammad Reza (2002), causes of ineffectiveness of political parties in the Islamic Republic of Iran, master's thesis, Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]

